نفت و انرژی

هدف‌گذاری یک میلیون بشکه‌ای تولید نفت در غرب کارون

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران بر ضرورت تقویت شرکت نفت و گاز اروندان برای دستیابی به هدف تولید روزانه یک میلیون بشکه نفت از میدان‌های غرب کارون تأکید کرد.

به گزارش زمان به نقل از شرکت نفت و گاز اروندان، حمید بورد در نشست با حضور مدیرعامل و مدیران این شرکت، بر لزوم تقویت شرکت نفت و گاز اروندان به‌منظور دستیابی به اهداف تولیدی یک‌میلیون بشکه‌ای از میدان‌های غرب کارون تأکید و بیان کرد: این شرکت دارای افراد باسابقه‌ای است که تحقق اهداف توسعه‌ای را در آن میسر می‌سازد. همچنین برای ایجاد ظرفیت، ارتقا و تقویت این شرکت، ضمن برنامه‌ریزی باید با صبر و تدبیر عمل کرد. وی با بیان اینکه در کنار توسعه تأسیسات نفتی، باید مدل توسعه مناطق پیرامونی را نیز تغییر داد و ضمن توجه به مسائل زیست‌محیطی و مسئولیت‌های اجتماعی، مردم منطقه را توانمند کرد، افزود: با ایجاد اشتغال، پیشرفت و توسعه محیط پیرامونی شرکت نیز محقق می‌شود. معاون وزیر نفت با تأکید بر استفاده از نظرات کارشناسان باتجربه برای رفع مشکلات منطقه، گفت: به همه سازمان‌ها به یک چشم می‌نگریم و مسئولیت‌های توسعه‌ای برای واگذاری به شرکت نفت و گاز اروندان برنامه‌ریزی شده است. بورد ضمن اشاره به ویژگی‌های بارز مدیریتی حمید دریس به‌عنوان مدیرعامل کنونی شرکت نفت و گاز اروندان، از زحمات عبدالله عذاری اهوازی، مدیرعامل پیشین این شرکت در مدت تصدی این سمت و اقدام‌های انجام‌شده در حوزه تولیدی قدردانی کرد.

ضرورت توسعه ساختار اروندان

حمید دریس، مدیرعامل شرکت نفت و گاز اروندان هم در این نشست با اشاره به ماهیت توسعه‌ای این شرکت در کنار مسئولیت‌های بهره‌برداری اظهار کرد: فعالیت‌های حوزه توسعه میدان‌ها از تولید و بهره‌برداری تفکیک‌پذیر نیست و باید فرصت‌های توسعه‌ای بیشتری با توجه به ماهیت شرکت نفت و گاز اروندان در اختیار این شرکت قرار گیرد. وی با تأکید بر لزوم واگذاری بهره‌برداری از دیگر مناطق غرب کارون به اروندان، افزود: ساختار این شرکت نیازمند توسعه و ارتقا است تا بتوانیم از نیروهای متخصص و مدیران باتجربه بیشتری استفاده کنیم. مدیرعامل شرکت نفت و گاز اروندان در این نشست طرح‌های افزایش تولید در شرکت نفت و گاز اروندان را تشریح کرد.

برنامه‌ریزی برای افزایش ۸۰ هزاربشکه‌ای تولیدنفت

فرخ علیخانی، مدیر نظارت بر تولید شرکت ملی نفت ایران نیز در این نشست از تصویب اهداف تولیدی این شرکت تا پایان امسال خبر داد و گفت: برنامه‌های افزایش تولید جدید، فراتر از پیش‌بینی‌های گذشته، تا پایان سال ۱۴۰۴ برنامه‌ریزی شده است. وی با بیان اینکه تا پایان خرداد امسال، افزایش ۸۰ هزار بشکه‌ای تولید نفت به‌عنوان یک هدف تعیین شده است، گفت: سهم شرکت نفت و گاز اروندان از این میزان، ۲۰ هزار بشکه خواهد بود.

۴۲۰ مگاوات نیروگاه برق آبی متوسط آماده احداث است

مدیر مطالعات نیروگاه های برق آبی کوچک شرکت توسعه آب و نیروی ایران گفت: نزدیک به ۴۲۰ مگاوات نیروگاه برق آبی متوسط آماده واگذاری به سرمایه گذاران برای احداث است.

به گزارش زمان به نقل از ایرنا، امیر مجتهدی افزود: سیاست وزارت نیرو آن است که برای احداث نیروگاه های زیر ۱۰۰ مگاوات از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کند. وی نیروگاه‌های زیر ۱۰ مگاوات را نیروگاه‌های کوچک دانست که از ۱۰ تا ۱۰۰ مگاوات را شامل می شوند. مدیرمطالعات نیروگاه‌های برق آبی کوچک و متوسط ادامه داد: نیروگاه‌های بالای ۱۰۰ مگاوات نیروگاه‌های متوسط نامیده می‌شوند و در کشور نزدیک به ۴۲۰ مگاوات نیروگاه متوسط شناسایی شده و آماده سرمایه گذاری هستند. مجتهدی با اشاره به اینکه به تازگی ابلاغیه‌ای از سوی سازمان برنامه و بودجه با عنوان ماده ۱۲ قانون صرفه‌جویی در مصرف سوخت ارسال شده است، خاطر نشان کرد: این قانون به ما این امکان را می‌دهد که سرمایه‌گذاران را برای سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های زیر ده مگاوات حمایت کنیم. مدیرمطالعات نیروگاه های برق آبی کوچک ومتوسط گفت: براساس قانون بودجه امسال قیمت خرید برق تضمینی پایه برای این نیروگاه ها سه هزار و ۴۰۰ تومان تعیین شده است و برای تشویق سرمایه‌گذاران در نیروگاه‌های متوسط آبی نیز ۶۵ سنت در نظر گرفته شده که به سرمایه گذار تضمین داده می‌شود برق به قیمت ۹.۵ سنت خریداری می شود. مجتهدی در باره تشویق‌های مالی برای نیروگاه‌های متوسط زیر ۱۰۰ مگاوات ادامه داد: این نیروگاه‌ها برای ۶ سال مشمول ۹.۵ سنت تشویقی برای سرمایه‌گذاران خواهند بود و علاوه بر قیمت پایه یا قیمت تابلو سبز که به این عدد اضافه می‌شود و به این ترتیب سرمایه‌گذار می‌تواند هزینه اولیه را انجام داده و نیروگاه را ساخته و به بهره‌برداری برسانند.

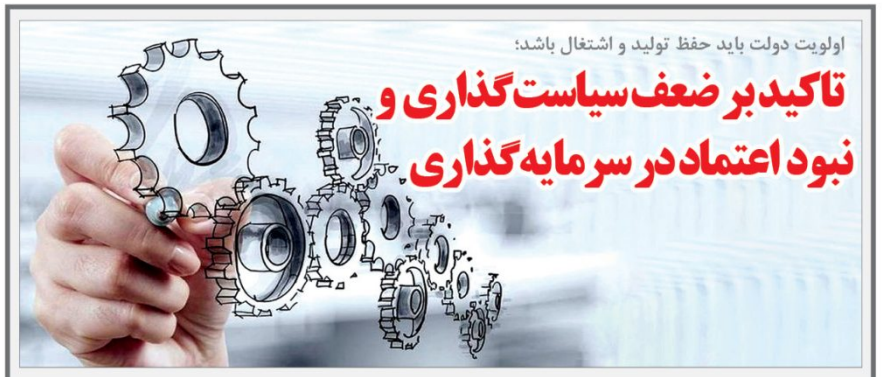

اولویت دولت باید حفظ تولید و اشتغال باشد؛

تاکید بر ضعف سیاست‌گذاری و نبود اعتماد در سرمایه‌گذاری

عضو شورای عالی کار با بیان اینکه نباید صنایع در اولویت تعطیلی به دلیل قطعی برق گفت: معیشت صدها هزار خانوار ایرانی به طور مستقیم از مسیر تولید و فروش صنایع تامین می‌شود و از این رو اولویت دولت باید حفظ تولید و اشتغال در کشور باشد.

به گزارش سرویس اقتصادی زمان، اصغر آهنی‌ها با بیان اینکه تعطیلی برخی صنایع به دلیل قطعی و ناترازی برق در فصل تابستان به تولید و اشتغال ضربه می زند، اظهار داشت: بنا بر قانون بهبود فضای کسب‌وکار، در مواقع کمبود انرژی، اولویت نخست نباید تعطیلی واحدهای صنعتی باشد. وی اضافه کرد: اقتصاد کشور سال‌هاست که تحت تاثیر فشارهایی چون تحریم ها قرار دارد و هر اقدامی که به تضعیف تولید منجر شود، به زیان ملی است. وی خاطر نشان کرد: معیشت صدها هزار خانوار ایرانی به طور مستقیم از مسیر تولید و فروش صنایع تامین می‌شود و نباید این اکوسیستم به دلیل ضعف مدیریت تعطیل شود. آهنی‌ها از اینکه در زمستان سال گذشته نیز صنایع بزرگ به دلیل ناترازی گاز و برق با مشکل تولید روبرو بودند، انتقاد کرد و افزود: حتی در مهرماه سال گذشته نیز وزارت نیرو بدون اطلاع‌رسانی قبلی، قیمت برق را یکباره افزایش داد که با اعتراض و پیگیری جدی بخش تولید این اقدام لغو شد. این تولیدکننده یادآور شد: زمستان سال گذشته، ضعف در ذخیره‌سازی سوخت نیروگاهی باعث شد واحدهای تولیدی با قطعی همزمان برق و گاز روبه‌رو شوند؛ امسال نیز از ابتدای اردیبهشت بدون اطلاع‌رسانی منسجم، برق بسیاری از کارخانه‌ها قطع شد که این موضوع خسارت‌های سنگینی به دستگاه‌ها و تجهیزات گران‌قیمت صنایع وارد کرد. وی خاطرنشان کرد: عمده شرکت‌های تولیدی در حال حاضر با حداکثر ۵۰ درصد ظرفیت فعالیت می‌کنند، بسیاری حتی کمتر از این میزان و بسیاری هم بلاتکلیف و بدون برنامه در انتظار تعیین تکلیف هستند. گاهی مسئولان حرف از تعطیلی چند هفته‌ای تا یک ماهه کل واحدهای صنعتی می‌زنند، در حالی که به پیامدهای اجتماعی و اقتصادی چنین اقداماتی واقف نیستند. آهنی‌ها ادامه داد: این فعال صنفی به افزایش مکرر و غیرمنتظره قیمت انرژی اشاره کرد و گفت: قیمت گاز امسال با جهشی سه برابری مواجه شد و به بیش از هزار تومان رسید. آن هم در شرایطی که بازارهای صادراتی به دلیل رکود آسیب دیده‌اند. این عضو شورای عالی کار در گفت و گو با ایرنا به اثرات آزاد بودن فعالیت استخراج کنندگان رمزارز اشاره و خاطرنشان کرد: در کشور ما با وجود این که کمبود انرژی وجود دارد، استخراج‌کنندگان رمز ارزها بدون نظارت فعالیت می‌کنند و تولیدکنندگان واقعی مجبور به تعطیلی می‌شوند؛ از این رو به نظر می رسد برای بهبود شرایط ابتدا باید جلوی این نوع استفاده‌های موازی از انرژی را بگیرند. وی با تاکید بر ضعف سیاست‌گذاری و نبود اعتماد در سرمایه‌گذاری اضافه کرد: مشکل دیگر ما فقدان قراردادهای اقتصادی و شفاف است. در سال‌های گذشته خصوصی‌ها سرمایه‌گذاری کردند، نیروگاه‌های کوچک ایجاد و برق تولید کردند اما وزارت نیرو نه تنها مطالبات را به موقع نپرداخت، بلکه بسیاری را بدهکار و ورشکسته کرد. آهنی‌ها با تاکید بر اینکه برای حل مشکل باید صنعت برق را از طریق انعقاد قرارداد سه جانبه واقعی بین وزارت نیرو، تولیدکنندگان و بانک‌ها اقتصادی کرد تا اگر وزارتخانه نتوانست مطالبات را پرداخت کند، بانک مطالبات را تضمین و جبران کند. وی افزود: اگر سیاستگذاران اراده واقعی برای کاهش ناترازی داشته باشند، صنعت و مردم ایران می‌توانند کمتر از یک سال این بحران را رفع کنند. وی نقد خود را متوجه ساختار سیاستگذاری دانست و تصریح کرد: متاسفانه افرادی که پشت میز سیاست‌گذاری قرار دارند، یا دانش و تجربه لازم را ندارند یا از وضعیت آبرچالش‌های تولید بی‌خبرند. وی به اهمیت توسعه نیروگاه‌های خورشیدی توجه کافی شده و نه از اهداف فنی و اقتصادی موضوعات تحلیل درستی ارائه می‌شود. آهنی ها یادآور شد: مسئله ناترازی انرژی راه‌حل فنی دارد و حل‌ناشدنی نیست اما به جای رویکردهای علمی و مشارکت متخصصین، تصمیمات مقطعی و غیرکارشناسی اتخاذ می‌شود. وی یادآور شد: ادامه این روند، موجب تشدید رکود، تعدیل نیروی کارگران، کاهش درآمد خانوارها و در نهایت تعمیق مشکلات اجتماعی در سراسر کشور خواهد شد. خروجی این دور باطل، ضربه به صنعت، اشتغال و اقتصاد ملی است. باید با رویکردی تخصصی، سیاستگذاری بلندمدت و شفاف و مشارکت بخش خصوصی، مانع این بحران شد و از تولید ایرانی حمایت واقعی کرد.

امنیت سرمایه‌گذاری و رشد تولید با نظام مالیاتی داده‌محور

دبیر کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: تولیدکننده با تکیه بر یک نظام شفاف و مبتنی بر داده و تقویت حسابرسی سیستمی، به‌صورت دقیق خواهد دانست که چه میزان مالیات باید بپردازد و با حذف نگرانی از برخوردهای سلیقه‌ای، فعالیت اقتصادی خود را پیش می‌برد.

به گزارش زمان به نقل از تسنیم، در سالی که با عنوان «سرمایه گذاری برای تولید» نام‌گذاری شده، کمتر ابزاری را می‌توان به اندازه‌ی اصلاح نظام مالیاتی مؤثر دانست؛ اصلاحی که اگر به‌درستی پیاده شود، هم به کنترل پایه‌های تورم کمک می‌کند، هم مسیر را برای شکوفایی تولید ملی هموار می‌سازد. زهرا خدادادی، دبیر کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگویی با ما از ضرورت تحول در سازوکارهای مالیاتی کشور می‌گوید؛ تحولی که از نگاه او نه‌تنها پاسخ به نیازهای امروز اقتصاد ایران است، بلکه شرط لازم برای اعتمادسازی، حمایت از تولید، و افزایش سرمایه‌گذاری در کشور است. وی سخنش را با یک نکته ساده اما کلیدی آغاز می‌کند: تولیدکننده باید بداند چه میزان مالیات باید بپردازد؛ نه اینکه حدس بزند» بعزعم او، در اقتصاد امروز، پیش‌بینی‌پذیری یک مزیت حیاتی است. وقتی یک فعال اقتصادی نتواند هزینه‌های مالیاتی خود را به‌درستی تخمین بزند، دچار بلاتکلیفی می‌شود، انگیزه سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد، و این یعنی ضربه‌ای مستقیم به تولید. خدادادی به این اشاره می‌کند که سال‌ها اتکای نظام مالیاتی کشور به ممیزی‌های سنتی و تشخیص‌های فردی، نه‌تنها زمینه فرار مالیاتی را فراهم کرده، بلکه اعتماد مودیان قانون‌مدار را نیز تضعیف کرده است. به همین دلیل، هوشمندسازی نظام مالیاتی را نه یک گزینه، بلکه یک ضرورت می‌داند؛ ضرورتی که می‌تواند با کاهش بروکراسی، حذف برخوردهای سلیقه‌ای و تسهیل فرآیندها، تولیدکننده را به جایگاه واقعی خود بازگرداند. به گفته وی، در حال حاضر بیش از ۹۵ درصد مودیان مالیات بر عملکرد، اظهارنامه‌های خود را به‌صورت الکترونیکی ثبت می‌کنند.

این یک نشانه مثبت از اعتماد به سیستم جدید است. اما این اعتماد نباید متوقف شود. باید تقویت شود. توسعه یابد، و به بخش‌های دیگراقتصاد نیز سرایت کند. وی از تغییر کارکرد ممیزان مالیاتی می‌گوید: در نظام جدید، تمرکز آن‌ها دیگر بر بررسی انبوه پرونده‌ها نیست، بلکه شناسایی دقیق و هدفمند فراریان مالیاتی در اولویت قرار گرفته است. این یعنی مالیات به جای آن‌که باری برای همه باشد، به ابزار عدالت تبدیل می‌شود. خدادادی با اشاره به کاهش ۵۰ درصدی حسابرسی سنتی برای مودیان حقوقی و ۶۷ درصدی برای مودیان حقیقی کلان، این تحول را «صرفه‌جویی در زمان و انرژی» هم برای دولت و هم برای فعالان اقتصادی می‌داند. اما مهم‌تر از همه، او بر نقش این تحول در کاهش ریسک سرمایه‌گذاری تأکید می‌کند. از نظر خدادادی، وقتی فرآیندهای مالیاتی قاعده‌مند، روشن و قابل پیش‌بینی باشند، تولیدکننده دیگر نیازی به حاشیه‌سازی یا دور زدن قوانین ندارد. او می‌داند چه چیزی از او خواسته شده و بر چه اساسی باید عمل کند. همین شفافیت، مشوقی برای توسعه کسب‌وکار، جذب سرمایه و افزایش اشتغال خواهد بود. دبیر کمیسیون اقتصادی مجلس، این تحول را همراستا با سیاست‌های کلی دولت هوشمند می‌داند. از نگاه او، مدیریت دادمحور، نه فقط در نظام مالیاتی، بلکه در سایر حوزه‌ها مانند تأمین اجتماعی، توزیع یارانه‌ها، و سیاست‌گذاری صنعتی باید جاری شود. وی می‌گوید: نظام مالیاتی هوشمند فقط دربار‌ه‌ی اخذ مالیات نیست؛ دربار‌ه‌ی شناخت بهتر اقتصاد هم هست. وقتی داده‌های دقیق در اختیار داریم، سیاست‌گذاری هم دقیق‌تر می‌شود. این یعنی قدم گذاشتن به‌سوی رشد واقعی تولید و مهار واقعی تورم. خدادادی تأکید می‌کند که تحول نظام مالیاتی، راهی است که کشورهای پیشرفته سال‌هاست آن را رفته‌اند. ما امروز در آغاز این مسیر هستیم، اما اگر با عزم جدی جلو برویم، هم می‌توانیم درآمدهای پایدار دولت را تقویت کنیم و هم با حمایت واقعی از تولید، به شعار امسال معنا ببخشیم. وی در پایان خاطرنشان کرد: تولیدکننده با تکیه بر یک نظام شفاف و مبتنی بر داده و تقویت حسابرسی سیستمی، به‌صورت دقیق خواهد دانست که چه میزان مالیات باید بپردازد و با حذف نگرانی از برخوردهای سلیقه‌ای، فعالیت اقتصادی خود را پیش می‌برد. این شفافیت، پایه‌ای برای امنیت سرمایه‌گذاری و رشد تولید است.

تحریم و بحران مالی دو ضلع تهدید اقتصاد انرژی ایران

چالش‌های مالی و اقتصادی، در کنار فشار تحریم، صنعت انرژی ایران را به چالش کشیده و آینده توسعه پایدار را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است.

به گزارش زمان به نقل ازمهر، در حالی که ایران یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر نفت و گاز جهان است، صنعت انرژی کشور همزمان با سه بحران بنیادین دست به گریبان است: تحریم‌های بین‌المللی، ناکارآمدی ساختاری در اقتصاد کلان و تنگناهای مالی مستمر. این سه عامل همانند حلقه‌ای معیوب، به یکدیگر گره خورده‌اند و اقتصاد انرژی ایران را هرروز آسیب‌پذیرتر و توسعه‌یافتگی آن را پرهزینه‌تر کرده‌اند. در دهه‌های اخیر، با تشدید تحریم‌ها علیه ایران، دسترسی به بازار جهانی و منابع ارزی به شدت محدود شد. درآمدهای ارزی دولت که عمدتاً از فروش نفت و گاز تأمین می‌شد، کاهش معناداری یافت و بودجه‌های عمرانی و توسعه‌ای از همان ابتدا در تنگنا قرار گرفت. در این میان، رشد هزینه‌های جاری و ضرورت پرداخت یارانه‌های هنگفت، عملاً رمق سرمایه‌گذاری را گرفت. در همین زمان، عدم اصلاح ساختاری در نظام مالی انرژی کشور و باقی ماندن قیمت‌ها بر مدار یارانه‌ای، موجب شد نه بخش خصوصی انگیزه ورود پیدا کند، نه منابع لازم برای نوسازی و توسعه زیرساخت‌ها فراهم شود. این مسئله، رکود، فرسودگی و وابستگی روزافزون را به‌دنبال داشت.

تحریم‌ها؛ تحمیل بحران بر زنجیره ارزش انرژی

تحریم‌های نفتی و مالی غرب، ورود تکنولوژی‌های نوین به ویژه در بخش بالادستی و پتروشیمی را با مانع جدی مواجه ساخت. دسترسی به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اعتبارات بانکی، قطعات و دانش فنی عملاً متوقف شد یا با هزینه‌های بسیار بالا و غیرقابلتی انجام گرفت. از طرف دیگر، محدودیت در فروش رسمی نفت و اجبار به صادرات غیرشفاف با تخفیفات بالا، بهره‌وری اقتصادی این بخش را کاهش داده و به واسطه‌گری‌های چندلایه دامن زده است. بسیاری از پروژه‌های اصلی توسعه، به دلیل نبود ارز و سرمایه، نیمه‌تمام یا با تأخیرهای فرسایشی مواجه شده‌اند. بر اساس گزارش اتاق بازرگانی تهران در سال ۱۴۰۳، حدود ۸۰ درصد پروژه‌های کلیدی صنعت نفت و گاز یا به علت تحریم یا نبود سرمایه مناسب در وضعیت رکود یا توقف قرار داشته‌اند.

بحران نقدینگی و زیان انباشته شرکت‌های انرژی

به واسطه تداوم پرداخت یارانه انرژی، شرکت‌های بزرگ دولتی (مانند شرکت ملی نفت، گاز و توانیر)، همواره با کسری بودجه عملیاتی و زیان انباشته روبه‌رو بوده‌اند. ترازنامه مالی این شرکت‌ها نشان می‌دهد که حتی برای پرداخت حقوق پرسنل یا تعمیرات حداقلی، ناچار به استقراض از بانک‌ها و منابع عمومی هستند؛ اتفاقی که در نهایت به تورم و افزایش بدهی دولت دامن می‌زند؛از سوی دیگر، بانک‌ها و بازار سرمایه نیز به دلیل سرعت پایین بازگشت سرمایه (ROIC) و نبود چشم‌انداز روشن اقتصادی، تمایلی برای تأمین مالی پروژه‌های انرژی ندارند. خروج سرمایه اجتماعی و خصوصی به وضوح در داده‌های مرکز آمار مشهود است. سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت برق از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ بیش از ۶۰ درصد کاهش یافته است.

کاهش بازدهی و فرصت‌سوزی در میانه بحران مالی

در نبود منابع کافی و با تداوم تحریم‌ها، پروژه‌های جدید توسعه میادین نفت و گاز، نوسازی نیروگاه‌ها و خطوط انتقال برق با حتی تعمیرات اساسی به کندی پیش می‌روند و تعداد قابل توجهی از آن‌ها متوقف شده‌اند. ظرفیت تولید واقعی، کمتر از توان اسمی است و هدررفت انرژی در انتقال و مصرف، افزایش یافته است.در این شرایط، فناوری‌های به‌روزرسانی و بهره‌وری انرژی نیز عملاً جایگاهی ندارند؛ زیرا جذابیه اقتصادی و قدرت تأمین مالی برای اجرای آن‌ها وجود ندارد. دولت ناچار است عمده منابع موجود را صرف پرداخت یارانه و کنترل تورم کند و اولویت کمتری برای توسعه پایدار باقی می‌ماند. نادر بابایی، اقتصاددان و مشاور اقتصادی شرکت‌های فعال در حوزه انرژی می‌گوید: مسئله فقط وابستگی به درآمد نفتی نیست، بلکه نبود استراتژی برای جذب سرمایه خصوصی و خارجی است که اوضاع را بحرانی‌تر کرده. تا زمانی که قیمت‌گذاری دستوری و پرداخت یارانه سنگین ادامه دارد، هیچ چشم‌اندازی برای جذابیت بازار انرژی ایران وجود نخواهد داشت. تحریم‌ها این گره کور را محکم‌تر کرده‌اند؛ هم کانال‌های تأمین مالی را بسته و هم فناوری روز را از ما گرفته‌اند. او تأکید می‌کند: راه برون‌رفت، ایجاد اصلاح واقعی در اقتصاد کلان، پیاده‌سازی نظام تعرفه‌ای منطقی، و آزادسازی تدریجی قیمت‌هاست تا اقتصاد انرژی از حالت نیمه‌دولتی مغشوش به سمت جذابیت و شفافیت برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی حرکت کند. هر تأخیری، فرسودگی و زیان مضاعف برای کشور به همراه می‌آورد. ترکیب مهلک بحران مالی دولت، تحریم‌های بین‌المللی و تداوم سیاست‌های ناکارآمد، انرژی ایران را به گرداب رکود و اتلاف برده است. هر راهکاری بدون اصلاح ساختار اقتصادی و بازگشایی مسیرهای تأمین مالی، راه به جایی نخواهد برد. اصلاح واقعی نظام قیمت‌گذاری، جذب سرمایه‌گذاری خصوصی و تعامل منطقی با جهان، سه رکن اصلی رهایی از این بحران خواهند بود.

نگاه روز

چرا ترامپ به دنبال باز آفرینی نظم نوین جهانی است؟

رضا مسرور

سیاست‌های اقتصادی دولت دونالد ترامپ با ایجاد هرج و مرج تعرفه‌ای، که بی‌ثبات و غیرقابل پیش‌بینی به نظر می‌رسند، در واقع هدف مشخص و بنیادینی را دنبال می‌کنند: «بازتعریف نظم نوین اقتصاد جهانی به نفع حفظ تفوق و استیلای پایدار ایالات متحده».

سیاست‌های اقتصادی دولت دونالد ترامپ با ایجاد هرج و مرج تعرفه‌ای، که بی‌ثبات و غیرقابل پیش‌بینی به نظر می‌رسند، در واقع هدف مشخص و بنیادینی را دنبال می‌کنند: «بازتعریف نظم نوین اقتصاد جهانی به نفع حفظ تفوق و استیلای پایدار ایالات متحده». این رویکرد، فراتر از یک تغییر سیاست مقطعی، تلاشی برای معکوس کردن روند صنعتی‌زدایی آمریکا، تضعیف شاخص دلار، و کاهش کسری تراز تجاری است تا بنیان‌های قدرت اقتصادی و نظامی این کشور را در بلندمدت تحکیم بخشد. ویژگی‌ها و ابعاد سیاست‌های جدید ایالات متحده در دوران ترامپ، با رویکردی حمایت‌گرایانه و ملی‌گرایانه مشخص می‌شوند. اعمال تعرفه‌های سنگین بر کالاهای وارداتی، به ویژه از چین، برجسته‌ترین نمود این سیاست است. برای مثال، در سال ۲۰۱۸، دولت ترامپ تعرفه‌هایی ۲۵درصدی بر ۱۶ میلیارد دلار از واردات کالاهای چینی اعمال کرد که این رقم تا سال ۲۰۲۱ به حدود ۳۷۰ میلیارد دلار افزایش یافت. این تعرفه‌ها نه تنها به منظور کاهش کسری تراز تجاری عظیم آمریکا، که طبق گزارش اداره تحلیل اقتصادی ایالات متحده (BEA)، در سال ۲۰۲۳ به حدود ۷۷۳.۴ میلیارد دلار رسید، اعمال می‌شوند، بلکه ابزاری برای فشار بر شرکای تجاری برای کاهش تعرفه‌های خود و گشایش بازارهایشان به روی محصولات آمریکایی محسوب می‌گردد. در کنار این، تأکید بر بازگرداندن تولید به داخل آمریکا و حمایت از صنایع داخلی از طریق مشوق‌ها و یارانه‌ها، از دیگر ویژگی‌های این رویکرد است. این سیاست‌ها با شعارهایی همچون «عظمت را دوباره به آمریکا بازگردانیم» یا «اول آمریکا» یا «آمریکا مقدم است» به دنبال تقویت بخش صنعت هستند. همچنین، تضعیف عمدی ارزش دلار به منظور افزایش رقابت‌پذیری صادرات آمریکا و جبران کسری بودجه، یکی از اهداف پنهان‌تر و در عین حال کلیدی این سیاست‌هاست. ترامپ بارها به بانک مرکزی آمریکا (فدرال رزرو) فشار آورده تا نرخ بهره را کاهش دهد که این امر به طور مستقیم بر ارزش دلار تأثیر می‌گذارد. استدلال پشت این سیاست‌ها بر این پایه استوار است که صنعت‌زدایی فزاینده آمریکا، امنیت ملی این کشور را در معرض تهدید قرار داده است. در دهه ۱۹۵۰، سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی آمریکا حدود ۲۸ درصد بود. این رقم، طبق داده‌های بانک جهانی، در سال ۲۰۲۳ به حدود ۱۰.۵ درصد کاهش یافته است. این «صنعت‌زدایی» به معنای وابستگی شدید آمریکا به واردات برای تامین کالاهای اساسی و حتی اقلام مورد نیاز صنایع دفاعی است. این وابستگی، به ویژه در مواجهه با رقبای قدرتمندی چون چین، به عنوان یک تهدید امنیتی و مانعی برای حفظ قدرت نظامی در بلندمدت تلقی می‌شود. علاوه بر این، کاهش سهم دلار در ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی جهان زنگ خطری جدی برای هژمونی اقتصادی آمریکا است. طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF) سهم دلار آمریکا در ذخایر ارزی جهانی از ۷۰ درصد در سال ۲۰۰۰ به حدود ۵۸.۴ درصد در سه‌ماهه چهارم ۲۰۲۳ کاهش یافته است. این تضعیف جایگاه می‌تواند به کاهش نفوذ آمریکا در نظام مالی بین‌الملل و از دست دادن ابزارهای فشار اقتصادی منجر شود. بنابراین، سیاست‌های ترامپ با هدف احیای صنعت آمریکا و کاهش وابستگی به واردات، تقویت موقعیت دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی، و در نهایت، حفظ برتری آمریکا در سلسله‌مراتب قدرت جهانی دنبال می‌شوند. تضعیف دلار، اگرچه ممکن است به کاهش قدرت خرید و دارایی‌های مردم آمریکا منجر شود، اما در بلندمدت برای افزایش صادرات و احیای صنعت حیاتی تلقی می‌شود. دلایل بنیادین سیاست‌های ترامپ ریشه در نگرانی عمیق نخبگان آمریکایی از افول قدرت نسبی این کشور در قبال ظهور قدرت‌های جدید، به ویژه چین، دارد. همانطور که وب‌سایت مرجع Trading Economics نیز نشان می‌دهد، اگرچه تولید ناخالص داخلی آمریکا (حدود ۲۷ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۳) هنوز ۱۰ تریلیون دلار از چین (حدود ۱۷ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۳) بیشتر است، اما نرخ رشد اقتصادی چین و سرعت صنعتی‌زدایی آن، زنگ خطری برای امنیت آمریکا محسوب می‌شود. فرضیه اصلی این است که اگر روند فعلی ادامه یابد، آمریکا در ۳۰ سال آینده دیگر قدرت برتر اقتصادی و حتی نظامی نخواهد بود. این نگرانی، ناشی از کسری تراز تجاری مزمن، افزایش بدهی ملی (که طبق داده‌های اخیر خزانه‌داری ایالات متحده، در سال ۲۰۲۴ از ۳۴ تریلیون دلار نیز فراتر رفته است) و کاهش سهم صنعت در اقتصاد آمریکا است. ترامپ و تیم اقتصادی او به این نتیجه رسیده‌اند که پارادایم نئولیبرالیسم اقتصادی که از دهه ۸۰ میلادی شروع شد و آمریکا هم بنیان‌گذار آن بود، گرچه در ظاهر به رشد تولید ناخالص داخلی آمریکا کمک کرده است، اما در باطن، به تضعیف بنیان‌های صنعتی و افزایش آسیب‌پذیری‌های امنیتی این کشور منجر شده است. سیاست‌های جدید تلاشی برای معکوس کردن این روند و بازگشت به یک مدل اقتصادی حمایت‌گرایانه‌تر است که در آن، حفظ صنعت داخلی و کاهش وابستگی به واردات، در اولویت قرار گیرد. این رویکرد، در واقع، یک نظم نوین فکری است که برخلاف آزادسازی بی‌قید و شرط بازارها، به دنبال بازتعریف روابط تجاری جهانی بر اساس منافع ملی و حفظ برتری آمریکا است. پیامدهای این نظم جدید اقتصادی بدون چالش نیست. تضعیف دلار، گرچه به نفع صادرات است، اما می‌تواند به کاهش قدرت خرید مردم آمریکا و نارضایتی‌های داخلی منجر شود. در صورت تضعیف ۲۰درصدی دلار، ارزش دارایی‌های شهروندان آمریکایی نیز به همین میزان کاهش می‌یابد که می‌تواند نارضایتی اجتماعی را در پی داشته باشد. همچنین، بازگشت به صنعتی شدن می‌تواند پیامدهای زیست‌محیطی نامطلوبی داشته باشد که با تعهدات زیست‌محیطی جهانی در تضاد است و می‌تواند به فشار از سوی گروه‌های حامی محیط زیست و جامعه بین‌المللی منجر شود. این تضادها نشان می‌دهند که هر استراتژی، چالش‌های درونی خود را دارد و دیپلماسی «چماق و هویج» ابزار کلیدی آمریکا برای وادار کردن کشورها به پذیرش این نظم نوین و حفظ جایگاه دلار و اوراق قرضه آمریکا به عنوان ذخایر ارزی جهانی، حتی در صورت تضعیف شاخص دلار، خواهد بود. رقابت قدرت بین ایالات متحده و چین در کانون این سیاست‌ها قرار دارد و هدف اصلی، مقابله با رشد اقتصادی چین و حفظ جایگاه آمریکا در دهه‌های آینده است. آمریکا با اعمال تعرفه و فشار برای کاهش تعرفه‌های متقابل، به دنبال متعادل کردن تراز تجاری و باز کردن بازارهای جدید برای محصولات خود است تا بتواند موقعیت اقتصادی و نظامی خود را در آینده حفظ کند. با توجه به اهداف و سیاست‌های در پیش گرفته شده، می‌توان پیش‌بینی کرد که نظم نوین اقتصادی جهانی به سمت بلوک‌بندی‌های اقتصادی و تجاری بیشتری حرکت خواهد کرد. آمریکا با رویکردی تهاجمی‌تر به دنبال بازتعریف زنجیره‌های تامین جهانی و کاهش وابستگی به کشورهایی مانند چین خواهد بود. این امر می‌تواند به افزایش هزینه‌های تولید و مصرف در کوتاه مدت منجر شود. اما در بلندمدت، هدف آمریکا ایجاد یک ساختار اقتصادی مقاوم‌تر و امن‌تر است. احتمالا شاهد ادامه سیاست‌های حمایت‌گرایانه، تلاش برای تضعیف نسبی دلار، و افزایش فشار بر شرکای تجاری برای گشایش بازارها خواهیم بود. این روند می‌تواند به افزایش تنش‌های تجاری و حتی سیاسی در سطح بین‌الملل منجر شود. در نهایت، موفقیت یا عدم موفقیت پارادایم جدید در گرو توانایی آمریکا در مدیریت تضادهای داخلی و خارجی، و قانع کردن سایر کشورها به پذیرش این نظم جدید خواهد بود.

Alborz.payam@gmail.com

مشتری
برگ سبز وانت نیسان مدل ۱۳۸۲ به رنگ آبی_روغنی با شماره موتور ۲۱۲۹۶۰ و شماره شاسی D11515 با شماره پلاک ۶۷۴ط۳۸ایران ۶۲ بنام زهره تیموری خواجکلائی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد
بابل

مشتری
برگ سبز موتورسیکلت سیستم نامی به شماره پلاک ۸۹۳۹۴ / ۵۸۷ و شماره موتور CE۰۲۱۸۹۲۹ و شماره تنه NBE۱۲۵A۵۰۸۶۴۳ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.
بهشهر

مشتری
برگ سبز و سند کمپانی و تسلسل اسناد پژو داخلی مدل RD مدل ۸۴باشماره پلاک ۸۶۹ط۱۶ایران ۷۲با شماره موتور ۱۱۷۸۴۰۰۶۸۵۳ و شماره شاسی ۱۳۰۹۵۸۷مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد
بابل